

مطالعات لایه‌نگاری در تپه باستانی ده نو (خوزستان)

بهزاد مفیدی نصرآبادی*

استاد دانشگاه ماینز آلمان

آزینا میرزایی

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه مازندران

(از ص ۸۹ تا ۱۰۸)

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۲/۰۷، تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۳/۲۰

چکیده

تپه ده نو در مطالعات سطح‌الارضی محققین آمریکایی در خوزستان شناسایی و در سال‌هایی ۱۹۶۸ و ۱۹۷۰ میلادی توسط استو (Steve) مورد بررسی قرار گرفت که طی آن چند آجر کتیبه‌دار یافت شدند. گنجوی و کارتر (Carter) نیز در آنجا چند نمونه آجر کتیبه‌دار پیدا کردند. قدیمی‌ترین آجرنوشته یافت شده مربوط به دوران حکومت پادشاه ایلامی، ایگی هلکی در حدود قرن چهاردهم پیش از میلاد می‌باشد. پس از او از دیگر شاهان ایلامی، شوتروک ناهونته و پسرش کوتیر ناهونته نیز آجرنوشته‌هایی به دست آمده که کتیبه‌های تمامی این شاهان حکایت از ساخت و مرمت معبدی برای الهه منتز دارد.

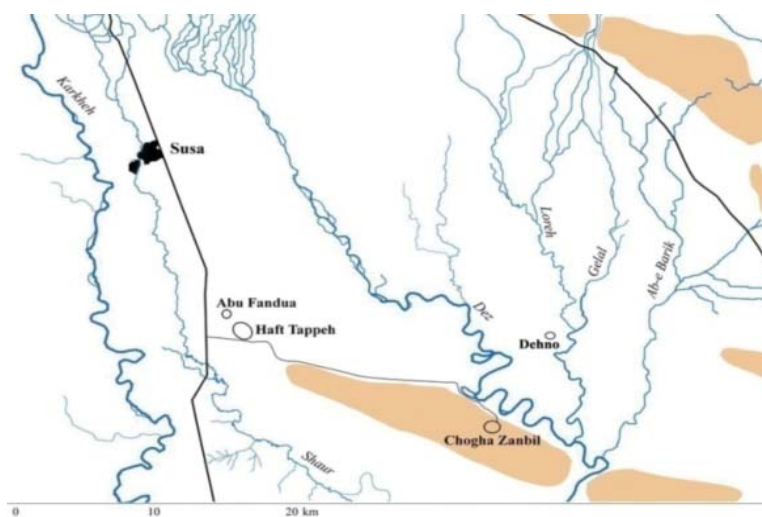
در سال ۱۳۷۹ خورشیدی بررسی سطح‌الارضی تپه ده نو توسط بهزاد مفیدی صورت گرفت. با توجه به نتایج این بررسی‌ها و همچنین اندازه‌گیری‌های ژئوفیزیکی بخشی از تپه در سال ۱۳۸۱ خورشیدی، تصمیم گرفته شد لایه‌های مختلف این تپه باستانی دقیق‌تر مطالعه شوند که این مهم در بهار سال ۱۳۹۱ محقق گردید. در این فصل کاوش به‌منظور شناخت آثار ایلامی، در ارتفاعات مختلفی در بدنه مسیل طبیعی موجود در میانه تپه تاریخی، برش‌هایی ایجاد شد. در لایه‌نگاری مشخص گردید آثار سده‌های اسلامی تقریباً دو متر از حجم خاک بالایی سطح تپه را دربر گرفته است. به‌رغم شناسایی سفال‌های دوران پارتنی در سطح تپه، بخش کاوش شده فاقد استقرارهای دوران پارتنی بود. در عمق حدود دو متری از سطح تپه یعنی در زیر آثار اسلامی، ساختار خشتی بزرگ مربوط به معماری دوران ایلامی آشکار گردید.

تاریخ‌نگاری آثار مکشوفه از تپه ده نو بر اساس مقایسه با داده‌های قبلی در شوش، چغازنبیل و هفت‌تپه انجام شد. داده‌های کاوش امکان شناخت بخشی از سفال‌های هزاره سوم تا اوایل هزاره اول پیش از میلاد را در ده نو فراهم کرد که لازم است در کاوش‌های بعدی تکمیل گردد.

واژه‌های کلیدی: تپه ده نو، لایه‌نگاری، ایلام میانه، معبد الهه منتز، آجرنوشته

مقدمه

تپه باستانی ده نو حدود ۳۳ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان شوش در استان خوزستان بر روی مختصات جغرافیایی $32^{\circ}04'07.12''$ شمالی و $48^{\circ}34'05.61''$ شرقی واقع شده است (شکل ۱). رود لوره در شرق تپه جریان دارد که امکان مناسبی برای آبیاری و کشاورزی دشت مجاور تپه ایجاد می‌کند. فاصله ده نو تا رود دز و چغازنبیل یا شهر باستانی دور اونتاش که در جناح جنوبی دز واقع است، حدود ۷ کیلومتر می‌باشد. پهنای تپه در قسمت جنوب شرقی حدود ۱۶۰ متر و در جناح شمال غربی حدود ۲۳۰ متر و درازای آن به‌طور متوسط حدود ۳۳۰ متر است. سطح بالای تپه نسبتاً مسطح است و به‌طور میانگین ارتفاعی در حدود ۲۰ متر از دشت پیرامونش دارد. در قسمت جنوب شرقی تپه مسیل‌های بسیار بزرگی توسط آب باران ایجاد شده است که هر ساله در حال گسترش هستند و موجب تخریب تپه می‌شوند (تصاویر ۱ و ۲). به‌طور متوسط پیش‌روی مسیل‌ها به طرف مرکز تپه در ده سال گذشته حدود هفت متر بوده است.



شکل ۱- موقعیت جغرافیایی تپه ده نو

پیشینه بررسی‌های گذشته

تپه ده نو در بررسی‌های سطح‌الارضی محققین آمریکایی در خوزستان با شماره KS 120 شناسایی و در سال‌های ۱۹۶۸ و ۱۹۷۰ میلادی توسط استو بررسی گردید که در طی آن چند آجر کتیبه‌دار یافت شدند (Carter 1968; 1987: 11). متعاقباً گنجوی و کارتر نیز در آنجا چند نمونه آجر کتیبه‌دار پیدا کردند (Igi 1971: 145). قدیمی‌ترین آجرنوشته یافت شده مربوط به دوران حکومت پادشاه ایلامی، ایگی هلکی (haliki) در حدود قرن چهاردهم پیش از میلاد می‌باشد. چند سده پس از او دیگر شاهان ایلامی، شوتروک ناهونته (Šutruk - Nahhunte) و پسرش کوتیر ناهونته (Kutir - Nahhunte) نیز از خود آجرنوشته‌هایی به‌جای گذاشته‌اند (تصاویر ۵ و ۶). کتیبه‌های تمامی این شاهان حکایت از ساخت و مرمت معبدی برای الهه منتز (Manzat) دارند.

متن آجرنوشته ایگی هلکی به زبان اکدی (Akkadian) می‌باشد که آوانویسی و ترجمه آن در زیر آورده می‌شود:

1. ¹ I-gi ha-li-ki ^dMa-an-za-at iš-tar₅ iš-me-šu-ma
2. EŠŠANA-ut Šu-šī ù An-za-an id-di-iš-šu-ma ku-ku-un-na ša e-pi-ir-ti
3. la-bi-ra ú-uš-šī-iš-ma a-na ^dMa-an-za-at úš-še-er
4. ^dMa-an-za-at ba-la-ta da-ra li-id-di-iš-šum-ma
5. EŠŠANA-ut hu-du li-ib-bi še-pi-is-sú

"ایگی هلکی الهه منتز- ایشتار (Ishtar) را فرمان‌بر است و به او پادشاهی شوش (Suse) و آناشان (Anshan) اعطا شده است. او معبد قدیمی را با آجر احیا و آنرا به منتز اهدا کرد. باشد که الهه منتز زندگی طولانی به وی اعطا کند و پادشاهی او با خوشی همراه باشد."

به طوری که شوتروک ناهونته در نوشته خود اشاره می‌کند، حدود دو قرن بعد از ایگی هلکی، گویا بنای معبد الهه منتز تا حدی ویران شده به صورت خرابه‌ای درآمده است. به همین دلیل شوتروک ناهونته مبادرت به بازسازی این معبد کرده و شرح آنرا در آجرنوشته‌هایی آورده که در مرمت معبد مورد استفاده قرار گرفته‌اند. متن آجرنوشته مزبور به صورت زیر می‌باشد.

1. ú ¹ Šu-ut-ru-uk-^dNah-hu-un-te si-ia-an ^dMa-an-za-at-me su-un-kip ur-pu-
2. up-pá ku-ši-ih-ši-ta za-am-mi-ik a-ak mi-ši-ir-ma-ak a-ak e-ri-en-tum₄-e tu-tu-
3. uš-šik a-ak hi-ir-ra-na pu-ur si-ma ta-at-tah a-ak ku-la-ak-ma sa-ah-ti-mah a-ak šar
4. ra-ah e-ri-en-tum₄ pi-ip-ši-ia-ma pi-ip-šir₈-mah a-ak ku-ši-ih su-un-kip ur-pu-up-
5. pá si-ia-an ^dMa-an-za-at-me e-ri-en-tum₈ hi-ša a-pi-e a-ha ta-
6. al-lu-ka₄ pá-ak-ka₄-ah a-ak hi-ša a-pi-e e-ri-en-tum₄ ta-al-lu-ši-ih-ši-ta-ma a-ha
7. ni-ma-an-ki a-ak ta-al-lu-uk-mi a-pi-e si-ia-an ap-pa ku-ši-ih-ma i
8. ta-ah a-ak a-ha ku-ši-ih e ^dMa-an-za-at na-pír-ú-ri si-ia-an ap-pa mi-ši-ir-ma-
9. ma su-un-gir ak-ka₄ me-ru-ur-ra šar-ráš pi-ip-šir₈-ma-an-ra i du-up-pi ú-mi-ni
10. hu-uh-taš-ni a-ak hi-šu-mi a-ha ta-al-lu-ka₄ šar-ráš si-ia-an-ma ta-áš-ni

"من شوتروک ناهونته معبد الهه منتز را که شاهان پیش از من آنرا ساخته و (سپس) ویران شده و آجرهای آن به حال خود رها شده بودند. پس از جمع‌شدن آن‌ها (آجرپاره‌ها)، پی معبد را بنیاد کردم. در هنگام دعا قربانی ادا کردم و با آجرهای نو آنرا مرمت کرده و دوباره ساختم. آجرهای معبد منتز که بر روی آن‌ها شاهان پیش از من کتیبه‌های خود را نوشته بودند، آن‌ها را دوباره استفاده کرده و در بین آن‌ها آجرهایی با نام خود را نیز جا دادم. (به این شکل) در معبدی که من ساختم، نوشته‌های آن‌ها (شاهان گذشته) را نیز به‌کار بردم. ای منتز، الهه من، باشد که اگر روزی این معبد ویرانه شد، شاهی که پس از من آنرا بازسازی می‌کند، این نوشته‌های مرا نیز دوباره به‌کار گیرد تا پس از مرمت نام من بر روی کتیبه بماند و در معبد جاسازی شود."

بر اساس این آجرنوشته‌ها مشخص بود که در ده نو احتمالاً مهم‌ترین معبد شهر متعلق به الهه منتز بوده که طی دورانی طولانی مورد استفاده قرار گرفته است. آثار سطحی نیز گویای تداوم استقرار بسیار طولانی در شهر بودند. در سال ۱۳۷۹ خورشیدی در چارچوب مطالعات باستان‌شناسی پروژه یونسکو چغازنبیل و به منظور شناخت مراکز ایلامی مجاور چغازنبیل، بررسی سطحی تپه ده نو توسط بهزاد مفیدی صورت گرفت. در این بررسی طیفی از سفال‌های تپه از هزاره چهارم پیش از میلاد تا دوران اسلامی مستندنگاری گردید. در

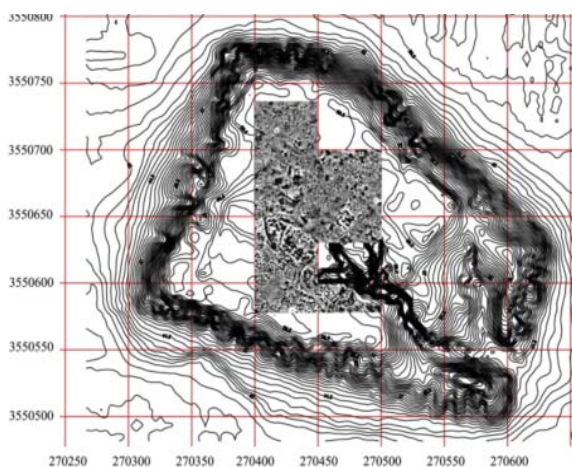
ادامه این بررسی‌ها در سال ۱۳۸۱ خورشیدی اندازه‌گیری ژئوفیزیکی بخش بزرگی از سطح تپه با پشتیبانی مالی دانشگاه ماینز آلمان به اجرا درآمد (Mofidi-Nasrabadi 2010: 268-272).

کاوش‌های اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۱

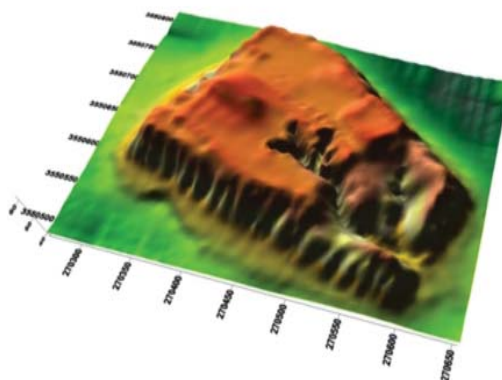
با توجه به نتایج اندازه‌گیری‌های ژئوفیزیکی و بررسی‌های سطحی تصمیم گرفته شد لایه‌های مختلف این تپه باستانی دقیق‌تر مطالعه شوند. در آغاز کار لازم بود ابتدا نقشه توپوگرافی تپه بر مبنای مختصات جهانی تهیه شود و با توجه به مختصات، موقعیت نقشه ژئومغناطیسی که در سال ۱۳۸۱ اندازه‌گیری شده بود، تعیین گردد. به این ترتیب موقعیت دقیق ساختارهایی که بر روی نقشه ژئومغناطیس قابل رویت بودند در محل مشخص شد (شکل ۲ و ۳). همچنین روشن شد که بخشی از این ساختارها در طی ده سال گذشته یعنی از زمان اجرای اندازه‌گیری ژئومغناطیسی تاکنون توسط آب باران تخریب شده و به درون مسیل سقوط کرده‌اند.

بر روی نقشه توپوگرافی در محوطه موردنظر شبکه‌ای با مربع‌های 10×10 متر در سطح تپه ایجاد و هر مربع با شماره‌ای مشخص گردید. برای لایه‌نگاری بخشی از تپه که آب باران مسیل عمیقی در آن ایجاد کرده بود انتخاب شد، زیرا از یک سو امکان ایجاد برش‌های پلکانی در مجاورت مسیل جهت شناخت لایه‌ها به خوبی امکان‌پذیر بود و از سوی دیگر با این روش بدنه مسیل بهتر در مقابل فرسایش آب‌های باران محافظت شده و از گسترش مسیل تا حدی جلوگیری می‌شد (شکل ۴).

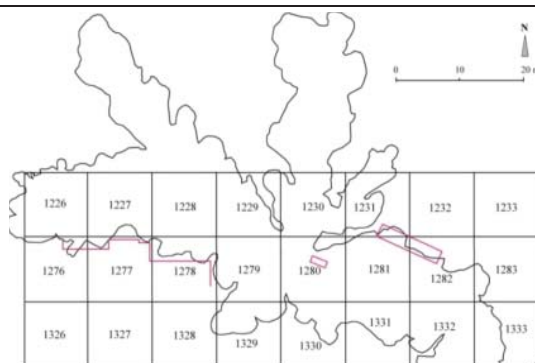
در سطح تپه خاک نسبتاً نرم با مخلوط خاکستر اولین لایه آواری را تشکیل می‌داد که در آن حجم نسبتاً زیادی از سفال‌ها و اشیای دیگر دوران‌های اسلامی، از جمله تعداد قابل توجهی از قطعات النگوهای شیشه‌ای اسلامی متأخر یافت شدند. بزودی بقایای آثار معماری این دوران نیز مشاهده شدند که از خشت و آجر بودند. آزادسازی بخشی از این دیوارها مشخص کرد که این آثار اسلامی در حقیقت همان ساختارهایی هستند که بر روی نقشه ژئومغناطیسی مشاهده می‌شدند. به این ترتیب معلوم شد که حجم ساختارهای اسلامی نسبتاً گسترده بوده و اندازه‌گیری ژئومغناطیسی آثار اسلامی را که در قسمت بالایی سطح تپه قرار داشتند، ثبت کرده است (شکل ۵). لایه نسبتاً ضخیم خاک و خاکستری که ویرانه‌های دوران اسلامی را پر کرده بود، مانع از ثبت ژئومغناطیسی آثار ایلامی که در عمق پایین‌تری بودند، شده بود.



شکل ۲- نقشه توپوگرافی ده نو و موقعیت نقشه ژئوفیزیکی بر روی تپه

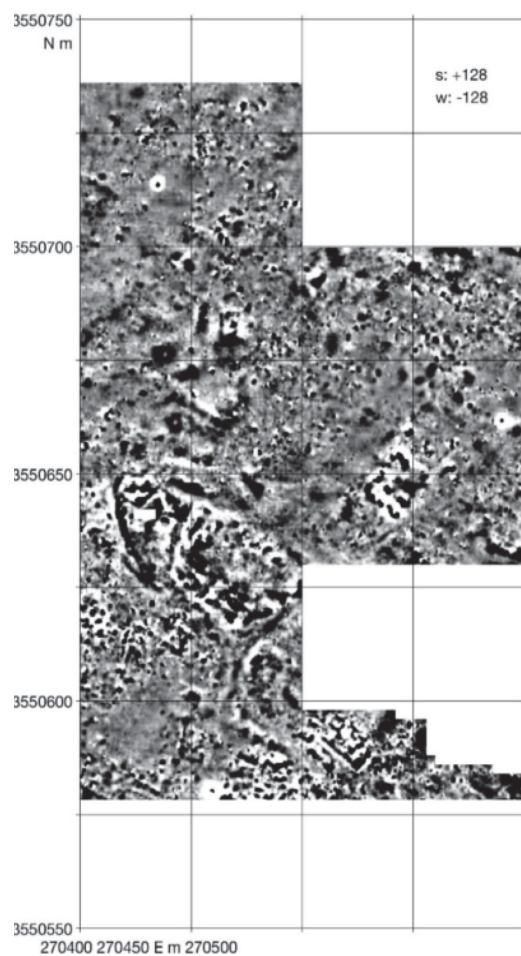


شکل ۳- نقشه سه‌بعدی توپوگرافی ده نو



شکل ۴- موقعیت مربع‌هایی ده متری و محل گمانه‌ها در رابطه با آثار ایلامی در مجاورت مسیل

آثار سده‌های اسلامی تقریباً دو متر از حجم خاک بالایی سطح تپه را شامل می‌شدند. با وجودی که در سطح تپه سفال‌های دوران پارتنی به دست آمده بود در هیچ‌یک از لایه‌ها آثار این دوران به دست نیامد؛ احتمالاً استقرار دوران پارتنی شامل این بخش از تپه نمی‌شده است. به منظور شناخت آثار ایلامی، در ارتفاعات مختلفی از بدنه مسیل برش‌هایی ایجاد شد. در عمق نزدیک به دو متر از سطح تپه یعنی در زیر آثار اسلامی چیدمان خشتی یک دیوار که بیان‌گر ساختار گسترده‌ای از دوران ایلامی بود، مشخص شد.



شکل ۵- ساختارهایی که بر روی نقشه اندازه‌گیری ژئومغناطیسی مشخص شدند

مسئله قابل توجه در ده نو این بود که در بخش بزرگی از دیواره مسیل که تا قلب تپه پیش‌روی کرده بود، ردیف‌هایی از آجر از نوع آجرهای متداول دوران ایلامی میانه دیده می‌شد که با کمی فاصله بر روی هم قرار داشتند و ارتفاع آن‌ها از هم در حدود ۱/۲ تا ۱/۵ متر بود (تصویر ۳). به همین دلیل در ابتدا تصور شد که این چیدمان‌های آجری مربوط به کف‌فرش‌های فضاهایی می‌باشد که مربوط به زمان‌های متفاوتی از دوران ایلامی میانه هستند و به همین دلیل با فاصله نسبتاً کمی بر روی یکدیگر واقع شده‌اند. اما با ادامه کاوش مشخص شد که در لابه‌لای این ردیف‌های آجری، حجم‌هایی از چیدمان‌های خشتی وجود دارد که جهت استحکام در لابه‌لای آن‌ها ردیف‌هایی از آجر پخته استفاده شده است. چنین روشی غیرعادی نبوده و در چغازنبیل نیز اجرا شده است (مفیدی نصرآبادی، ۱۳۸۶، بخش فارسی: ۲۷). کشف این مسئله نشان‌گر این بود که در این قسمت از تپه ساختار بسیار حجیمی از دوران ایلامی میانه وجود دارد که برای استحکام بیشتر آن از روش مزبور استفاده شده است. از آنجایی که هدف از این فصل کاوش فقط شناخت لایه‌ها بود، امکان تعیین حدود ساختار معماری یاد شده در این فصل کاوش میسر نبود (تصویر ۴). حفاری‌های هفت‌تپه به ما نشان داده بود که دیوارهای بسیار قطور خشتی که گاهی پهنای آن‌ها حتی بیش از ده متر بوده است، در دوران ایلامی میانه غیرعادی نبوده و ساخته شده‌اند. در کاوش‌های فصول آینده مسلماً مشخص خواهد شد که این سازه یک تراس یا یک دیواری قطور بوده است. با توجه به اینکه ردیف‌های چیدمان آجری که در لابه‌لای حجم خشتی قرار دارند و در هر دو طرف بدنه مسیل دیده می‌شوند، می‌توان چنین تصور کرد که ساختار مزبور در هر دو سمت مسیل امتداد دارد. در مربع‌های ۱۲۲۷ و ۱۲۲۸ چندین قطعه از آجرنوشته‌های پادشاه ایلامی "ایگی هلکی" که جد اونتاش نپیریشا (Untash-Napirisha) بوده و حدوداً در قرن ۱۴ پیش از میلاد حکومت می‌کرده است، درون خاک‌های آواری قسمت‌های میانی این ساختار کشف شدند (تصویر ۵). در آوارهای قسمت‌های بالاتر نیز قطعاتی از آجرنوشته‌های شاه متأخرتر ایلامی شوتروک ناهونته از قرن ۱۲ پیش از میلاد یافت شد (تصویر ۶). همان‌طور که در بالا ذکر شد، هر دو این نوشته‌ها از ساخت و احیای معبد الهه منزت سخن می‌گویند. بنابراین این احتمال وجود دارد که ساختار خشتی در حقیقت همان معبد مذکور باشد که حداقل برای چند سده، یعنی از زمان پادشاهی ایگی هلکی تا دوران حکومت سلسله شوتروکی‌ها مورد استفاده بوده است. آجر نوشته‌دار دیگری نیز در ترانشه ۱۲۲۷ در خاک‌های آواری پیدا شد که دارای کتیبه‌ای با تکنیک استامپی است. متأسفانه متن کتیبه یا در اثر فرسایش و یا اینکه در زمان باستان به صورت عمدی، تخریب شده و کاملاً از بین رفته است و امکان قرائت آن وجود نداشت. مسئله جالب این بود که برخلاف آجرنوشته‌های نامبرده در بالا که دارای کتیبه‌هایی بر روی سطح جانبی بودند، این مورد متاخر، کتیبه بر روی سطح بالایی آجر قرار داشت.

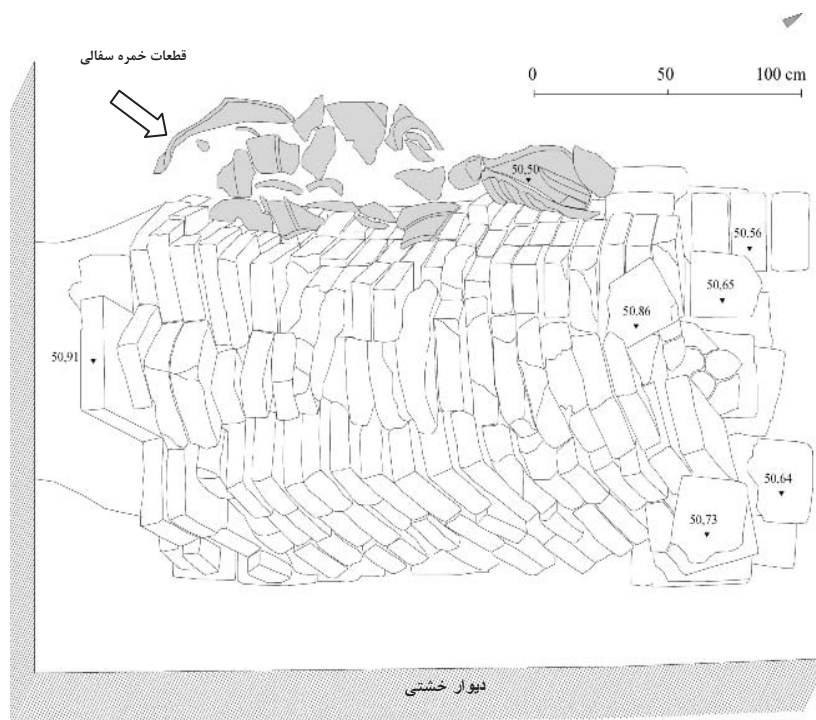
همان‌طور که گفته شد رده‌های استحکامی آجرها در حجم خشتی مربوطه از نوع آجرهای دوران ایلامی میانه هستند. به این ترتیب با توجه به آجرهای کتیبه‌دار می‌توان این سازه را مربوط به زمانی بین دوران حکومت ایگی هلکی و شوتروک ناهونته یعنی از حدود اواخر قرن چهاردهم تا قرن دوازدهم پیش از میلاد دانست. به این ترتیب چنانچه معبد در دورانی قدیمی‌تر تأسیس شده باشد، بقایای کهن‌تر آن باید در عمق بیشتری قرار داشته باشد. با توجه به این مسئله سازه خشتی موجود حکم شاخصی را برای ما ایفا می‌کرد که بر مبنای آن امکان تاریخ‌نگاری نسبی آثار وجود داشت. به طوری که آثاری که در زیر آن واقع بودند

می‌بایست حداقل قدیمی‌تر از دوران حکومت ایگی هلکی بوده و آثار روی آن جدیدتر از دوران سلطنت سلسله شوتروکی‌ها یا همزمان با آن باشد.

در ترانسه ۱۲۲۷ بر روی ساختار مکشوفه مذکور تعدادی قطعه سفالی در مجاورت بازمانده‌های معماری یافت شد که باید متأخرتر از این ساختار باشد (تصاویر ۷ و ۸). همچنین در برشی که در مربع ۱۲۸۲ در سمت شمالی مسیل زده شد (تصویر ۹)، تعدادی قطعه سفال و چند پیکرک گلی بر روی امتداد بازمانده‌های این ساختار پیدا شد. این اشیا متأخرترین طیف داده‌های ایلامی این فصل از کاوش را تشکیل می‌دهند (تابلو ۲، ۱ و ۱۰).

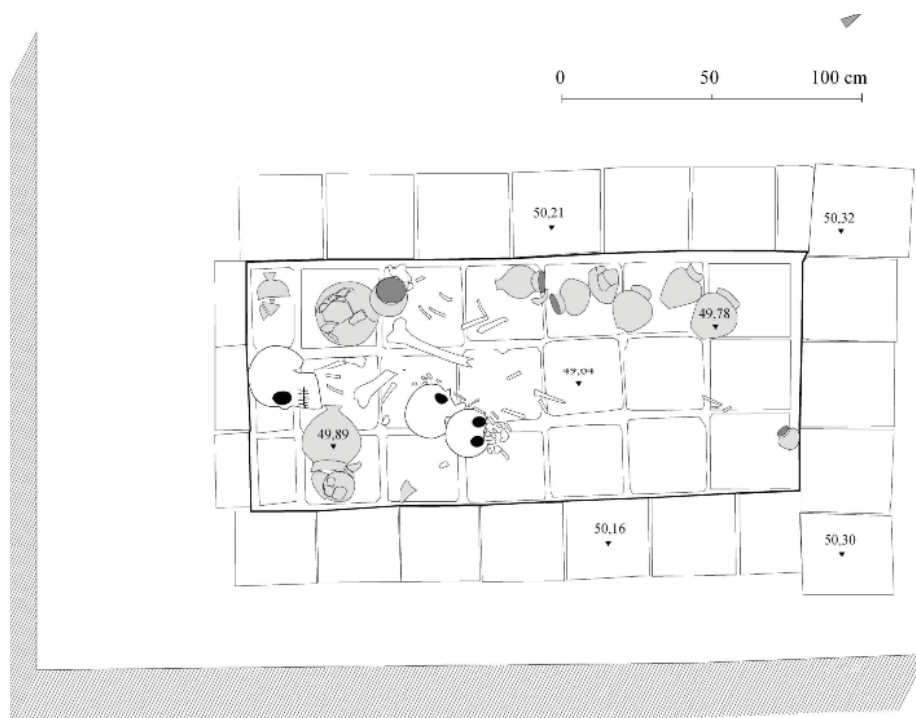
در مربع ۱۲۲۸ در سطحی پایین‌تر از ساختار خشتی حجیم، قطعاتی از سفال و چند پیکرک شکسته گلی کشف شد. با توجه به موقعیت این اشیا که در عمقی پایین‌تر از سازه خشتی هستند، می‌توان قدمت آن‌ها را به دوره سلطنت ایگی هلکی در قرن چهاردهم پیش از میلاد نسبت داد. پیکرک‌ها تقریباً مشابه نمونه‌هایی هستند که در هفت‌تپه نیز یافت شده‌اند و به قرون ۱۴ و ۱۵ پیش از میلاد تعلق دارند (تابلو ۱۲).

در مربع ۱۲۲۷ و در مجاورت سازه حجیم خشتی، یک گور آجری و تعدادی ظرف سفالی یافت شد که احتمالاً کمی قدیمی‌تر از دوران ایلامی میانه بوده و به دوران سوکلماخ تعلق داشته‌اند. دیواره‌های گور مزبور از آجرهایی به ابعاد متوسط $۲۶ \times ۲۶ \times ۹$ سانتی‌متر و $۱۹ \times ۹ \times ۳۰$ سانتی‌متر طوری با ارتفاع متوسط ۳۰ سانتی‌متر ساخته شده بود که بر روی آن طاقی هلالی‌شکل با آجرها و نیمه‌آجرهای ایستاده ایجاد شده بود (شکل ۶ و تصاویر ۱۰ تا ۱۳). ابعاد گور در بخش بیرونی آن ۲۴۰×۱۱۰ سانتی‌متر و در درون آن ۱۸۰×۸۰ سانتی‌متر بود و دارای کف‌فرشی از آجرهای سالم بود.



شکل ۶- گور آجری واقع در مربع ۱۲۲۷

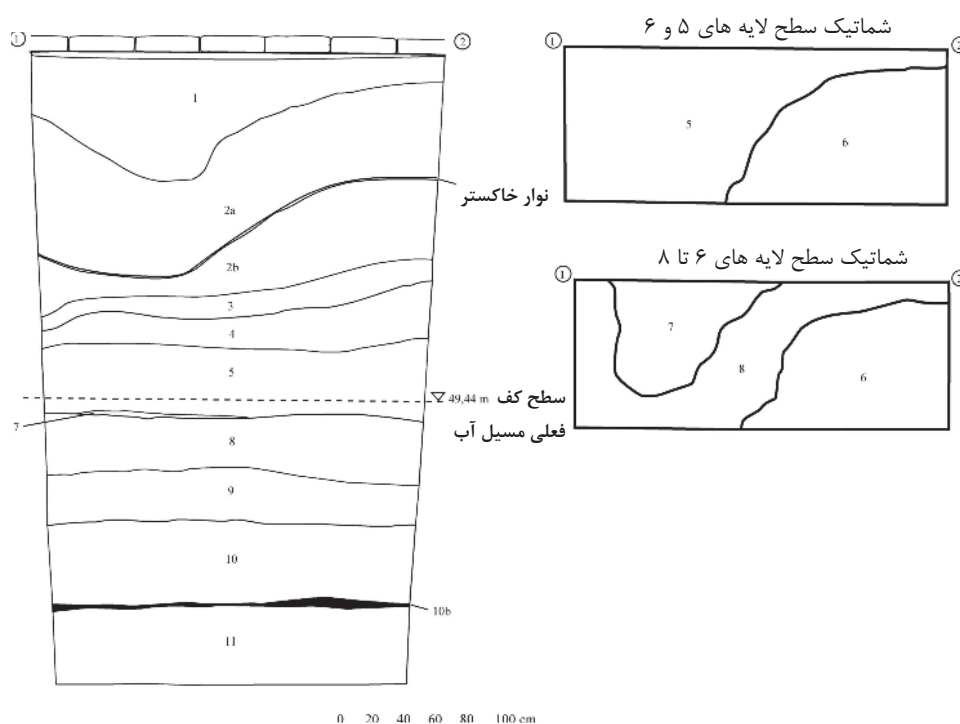
در مجاورت ضلع طولی شمال غربی آن قطعات یک خمره سفالی بزرگ قرار داشت که به علت فشار خاک شکسته شده بود. در کنار قطعات خمره استخوان‌های حیوانی یافت شد که احتمالاً مربوط به بز و یا گوسفند بود. به این ترتیب در هنگام تدفین در کنار خمره بزرگ احتمالاً گوشت قربانی نیز برای مردگان در کنار گور نهاده شده است. درون گور بقایای سه اسکلت، تعدادی ظروف سفالی و یک انگشتر برنزی یافت شد (شکل ۷). در جهت‌های شمال شرقی و جنوب شرقی گور دیواری خشتی با فاصله کمی از گور قرار داشت. هنوز به درستی ارتباط این دیوار با گور مشخص نیست. این امکان وجود دارد که دیوارها مربوط به فضایی باشند که گور در آن ساخته شده است. از طرف دیگر این احتمال وجود دارد که این دیوارها مربوط به ساختمانی قدیمی‌تر باشند و گودال گور در زمانی متأخرتر در آنجا به صورت موازی با بازمانده‌های این ساختمان که در زیر خاک بوده است، کنده شده باشد. تشخیص این مسئله با ادامه کاوش در فصول آینده امکان‌پذیر خواهد بود.



شکل ۷- وضعیت اشیای موجود در گور آجر

به دلیل محل قرارگیری گور در سطحی بسیار پایین‌تر نسبت به سازه خشتی (تصویر ۱۰)، گمان می‌رود گور به دوران سوکلماخ تعلق داشته باشد. این گمان با مقایسه نوع ظروف پیدا شده در گور با سفال‌های شوش تا حدی تقویت می‌شود. به خصوص اینکه خمره بزرگ قرار گرفته در کنار گور (تابلو ۶)، مشابه خمره‌هایی است که در کارگاه Ville Royale A شوش به لایه‌های چهارده و پانزده منسوب بوده و در سده‌های هیجدهم و هفدهم پیش از میلاد تاریخ‌نگاری می‌شوند (Gasche 1973, Pl. 48, 4). البته لازم به تذکر است که تاریخ‌نگاری آثار این کارگاه در شوش با مشکلاتی روبرو است، زیرا شیوه لایه‌نگاری به درستی در حفاری آن اعمال نشده است، ولی در مجموع می‌توان ظروف مربوطه را قدیمی‌تر از دوران ایلامی میانه محسوب کرد.

مسلماً گور مزبور مربوط به کهن‌ترین استقرار در ده نو نبوده و برای تشخیص دوره‌های کهن‌تر بخشی از مسیل آب انتخاب شد تا بررسی لایه‌های قرار گرفته در زیر سازه خشتی به راحتی امکان‌پذیر باشد. گمانه مورد بررسی در مربع ۱۲۸۰ واقع بود (شکل ۴). با توجه به شرایط مسیل حاصل از فرسایش، ابعاد و جهت گمانه نمی‌توانست به دلخواه انتخاب شود و به ناچار می‌بایست با مسیل همخوانی داشته باشد. گمانه از سطح موجود در مسیل ۱۸۰ سانتی‌متر عمق داشت (شکل ۸). در بدنه مسیل حدود ۲۲۰ سانتی‌متر بالاتر از سطح کف مسیل، پایین‌ترین ردیف آجری در زیر سازه خشتی دیده می‌شد. این ردیف آجری با ملات زیر آن بر روی لایه‌ای از خاک سرخ‌رنگ سخت به ضخامت ۲۰ تا ۸۰ سانتی‌متر قرار داشت (شکل ۸- لایه ۱). خاک مزبور تقریباً بدون قطعات سفالی بود و احتمالاً خاک یا گلی بوده که برای زیرسازی این سازه خشتی استفاده شده است تا سطح محوطه هموار گردد. در زیر آن لایه‌ای از خاک متمایل به خاکستری به ضخامت تقریبی یک متر قرار داشت که شامل قطعات سفالی بود (شکل ۸- لایه ۲).

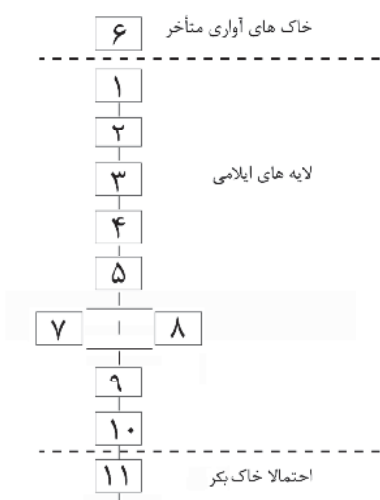


شکل ۸- لایه‌های موجود در گمانه واقع در مربع ۱۲۸۰

در میانه این لایه نوار باریکی از خاکستر دیده می‌شد. خاک این لایه افقی نبود و در یکسو کمی بالاتر از سوی دیگر واقع بود. تفاوت در ضخامت خاک به دلیل ناهموار بودن لایه‌های زیرین بوده که به هنگام ساخت سازه خشتی لازم بوده با انجام خاک‌ریزی سطح زمین هموار شود. لایه دوم روی لایه‌ای از خاکستر واقع بود که در آن تعداد زیادی قطعه سفالی و تعدادی پاره آجر دیده می‌شد (شکل ۸- لایه ۳). لایه ۴ متشکل از خاک سفت با مخلوط خاکستر، تعدادی پاره آجر و حجم زیادی قطعه سفالی بود که بر روی لایه‌ای از خاک متخلخل به رنگ نخودی مایل به خاکستری با مقدار کمی قطعه سفالی (شکل ۸- لایه ۵) واقع بود. لایه ۶ فقط در بخشی

از کف مسیل شناسایی گردید و تا بدنه مسیل امتداد نمی‌یافت (شکل ۸). این لایه خاک آواری تا عمق متوسط ۴۰ سانتی‌متری از کف مسیل ادامه داشت و در آن بازمانده‌های کیسه پلاستیکی نیز دیده می‌شد. به این ترتیب این لایه در حقیقت خاک آواری بود که در سال‌های اخیر در میانه مسیل رسوب کرده بود.

در بخش غربی گمانه، لایه نازکی از قلوه‌سنگ‌های کوچک و ماسه در زیر لایه پنجم واقع بود که در اینجا با شماره ۷ مشخص شده است. در زیر آن و همچنین در زیر بخش شرقی لایه ۵، مخلوطی از خاک و خاکستر قرار داشت که در آن پاره‌های آجر و تعداد زیادی قطعه سفالی دیده می‌شد که لایه ۸ را تشکیل می‌داد. در زیر لایه هشتم، لایه ۹ متشکل از خاک نرمی قرار داشت که در آن تعداد زیادی پاره‌های آجر موجود بودند. این آجرها با پاره‌های لایه‌های بالایی تفاوت داشتند، زیرا بسیار زمخت‌تر و با شاموت درشت گیاهی بودند. لایه ۱۰ از خاک بسیار نرم ماسه‌ای به‌رنگ قهوه‌ای مایل به سرخ تشکیل شده بود. تعداد کمی قطعه سفالی از جمله قطعات منقوش، در این لایه دیده می‌شد. در بخش پایینی لایه ۱۰ یک نوار باریک خاکستر دیده می‌-



نمودار ۱- ماتریکس لایه‌های واقع در گمانه مربع ۱۲۸۰

شد که تحت عنوان لایه ۱۰a نام‌گذاری شد. زیر این قشر نازک خاکستر، خاک قهوه‌ای‌رنگ نرمی وجود داشت که جز یک قطعه کوچک سفالی در سطح این خاک قطعات سفالی در آن دیده نمی‌شد. احتمال دارد این خاک که تحت عنوان لایه ۱۱ نام‌گذاری شد، در اصل خاک بکر باشد. به‌علت کمبود زمان ادامه عمق گمانه میسر نگردید و تشخیص دقیق این مسئله به آینده موکول شد.

با توجه به توضیحات بالا سفال‌های لایه ۱۰ در گمانه ۱۲۸۰ قدیمی‌ترین ظروف این فصل از کاوش را تشکیل می‌دهند (تابلو ۹). وضعیت لایه‌ها و نسبت زمانی آن‌ها در نمودار زیر به صورت ماتریکس نشاد داده شده است.

تاریخ‌نگاری آثار در بخش‌های مختلف کاوش

گذشته از بازمانده‌های دوران اسلامی که به صورت گسترده در تمامی سطح تپه موجود هستند، می‌توان آثار ایلامی را به‌خصوص در گمانه‌های واقع در مربع‌های ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۸۰ و ۱۲۸۲ تاریخ‌نگاری نسبی نمود. در این گاهنگاری متن آجرنوشته‌های یافت شده در مجاورت سازه خشتی بزرگ، به ما کمک می‌کند. در حال حاضر بخشی از این سازه با چیدمان یک لایه آجر در بین هر چند ردیف چیدمان خشتی، به طول نسبتاً زیادی در دو طرف مسیل قابل‌رویت است (تصاویر ۳ و ۴).

در لایه‌های آوار مجاور سازه در مجموع قطعات مختلف دو نوع آجرنوشته به‌دست آمد که یکی مربوط به دوران حکومت ایگی هلکی در قرن چهاردهم پیش از میلاد و دیگری متعلق به زمان شوتروک ناهونته در قرن دوازدهم پیش از میلاد بود. متن کتیبه‌ها بازسازی معبد الهه منزلت را به‌وسیله شاهان نامبرده شرح می‌دهند.

به این ترتیب این سازه خشتی شاخصی برای تاریخ‌نگاری آثار متأخرتر و یا کهن‌تر محسوب می‌گردد. در مربع ۱۲۲۷ تعداد کمی سفال در لایه‌ای بر روی سازه نامبرده کشف شد (تابلو ۳ و تصویر ۸). برخی از این ظروف مشابه ظروفی هستند که از حفاری‌های چغازنبیل به دست آمده است. به‌عنوان مثال یک کوزه با لبه برگشته مشابه سفالی است که در چغازنبیل مربوط به دوره ساختاری سوم خانه‌های مسکونی واقع در جنوب محوطه تمنوس بوده و در سده‌های ۱۲ و ۱۱ پیش از میلاد تاریخ‌گذاری می‌شود (جدول ۱). به این ترتیب می‌توان حدس زد که لایه مذکور حدوداً به دوران حکومت شوتروک ناهونته یا کمی پس از آن تعلق دارد و ظروف دیگر این لایه نیز متعلق به همین دوران هستند (تابلو ۳).

جدول ۱: نمونه سفالی در مربع ۱۲۲۷، واقع در لایه آواری بر روی سازه خشتی

کد شی	منبع نمونه مورد مقایسه	دوره ساختاری نمونه مورد مقایسه	سده پیش از میلاد
D.N. 12-1227-500	مفیدی نصرآبادی ۱۳۸۶، تابلو ۸۳، ۸۱-۱۴-۲، C.Z.	۳	۱۱ تا ۱۲

در مربع ۱۲۸۲ نیز در یک لایه آواری که بر روی سازه خشتی قرار داشت، حجم نسبتاً زیادی قطعه سفالی یافت شد (تابلوهای ۱ و ۲). برخی از این ظروف با سفال‌های شوش و چغازنبیل مشابهت دارند (جدول ۲). نمونه‌های مشابهی که از کارگاه Ville Royale II شوش و چغازنبیل پیدا شده‌اند، حدوداً در قرون دهم و نهم پیش از میلاد تاریخ‌گذاری می‌شوند که با موقعیت سفال‌های لایه مزبور در ده نو همخوانی دارد، زیرا که سفال‌ها در کنار بازمانده‌هایی پیدا شدند که روی سازه خشتی واقع بودند و از آنجایی که مراحل آخر کاربرد سازه خشتی بر مبنای آجرنوشته‌های شوتروک ناهونته در زمان سلسله شوتروکی‌ها، یعنی در قرن ۱۲ تا ۱۱ پیش از میلاد بوده، بنابراین این سفال‌ها باید کمی متأخرتر و حدوداً مربوط به قرون دهم تا نهم پیش از میلاد باشند. جالب توجه است که برخی از ظروف مشابه نمونه‌هایی هستند که توسط فرانسوی‌ها به لایه‌های A XI و A XII از کارگاه Ville Royale A در شوش منسوب شده‌اند و آن‌ها را معمولاً به قرون شانزدهم و پانزدهم پیش از میلاد متعلق می‌دانند. لازم به ذکر است که تاریخ‌نگاری آثار کارگاه Ville Royale A به دلیل عدم اجرای روش‌های دقیق لایه‌نگاری، به راحتی امکان‌پذیر نیست (Mofidi-Nasrabadi, in press). بنابراین در حال حاضر نمی‌توان نمونه‌های ذکر شده در این بخش را به درستی تاریخ‌گذاری کرد.

جدول ۲: نمونه‌های سفالی در مربع ۱۲۸۲، واقع در لایه آواری بر روی سازه خشتی

کد شی	منبع نمونه مورد مقایسه	دوره ساختاری نمونه مورد مقایسه	سده پیش از میلاد
D.N. 12-1282-510	De Miroschedji 1981, Fig. 11,15	Niveau 10	۱۰
D.N. 12-1282-512	De Miroschedji 1981, Fig. 18,6	Niveau 9	۹
D.N. 12-1282-517	De Miroschedji 1981, Fig. 23,7	Niveau 9	۹
D.N. 12-1282-522	مفیدی نصرآبادی ۱۳۸۶، تابلو ۹۶، ۸۰-۶۲۷-۱۷، C.Z.	لایه ساختاری ۲	۹ تا ۱۰
D.N. 12-1282-514	مفیدی نصرآبادی ۱۳۸۶، تابلو ۹۵، ۸۱-۷۲۹-۱۵، C.Z.	لایه ساختاری ۲	۹ تا ۱۰

در مربع ۱۲۲۸ تعداد زیادی قطعه سفالی در مجاورت بخش پایینی سازه خشتی (تصویر ۷) یافت شد که عمدتاً با نمونه‌های شناخته شده از هفت‌تپه مشابهنه دارند (جدول ۳). به این ترتیب می‌توان این سفال‌ها را حدوداً در قرون پانزدهم تا چهاردهم پیش از میلاد تاریخ‌گذاری کرد. محل قرارگیری آن‌ها در مجاورت بخش پایینی سازه خشتی این امر را تأیید می‌کند، زیرا که برمبنای آجرنوشته‌های ایگی هلکی، این سازه در زمان او، یعنی حدوداً در قرن چهاردهم پیش از میلاد بازسازی شده است. سفال‌های مزبور باید کم‌وبیش به این دوران تعلق داشته باشند (تابلو ۴ و ۵).

جدول ۳- نمونه‌های سفالی در مربع ۱۲۲۸، واقع در مجاورت بخش پایینی سازه خشتی

کد شی	منبع نمونه مورد مقایسه	سده پیش از میلاد
D.N. 12-1228-522	مفیدی نصرآبادی، ۱۳۸۹، تابلو ۴، ۷	۱۴
D.N. 12-1228-526	مفیدی نصرآبادی، ۱۳۸۹، تابلو ۱۰، ۹	۱۴
D.N. 12-1228-511	مفیدی نصرآبادی، ۱۳۸۹، تابلو ۳، ۹	۱۴
D.N. 12-1228-506	مفیدی نصرآبادی، ۱۳۸۹، تابلو ۵، ۱۵	۱۴
D.N. 12-1228-535	مفیدی نصرآبادی، ۱۳۸۹، تابلو ۷، ۱۴	۱۴

در این فصل کاوش سفال‌های دوران سوکلماخ، یعنی نمونه‌های قبل از دوران ایلامی میانه به‌خوبی شناسایی نشدند و فقط احتمال می‌رود ظروف کشف‌شده در گور آجری مربع ۱۲۲۸ مربوط به این دوره باشند (تابلو ۶) زیرا گور مزبور در مجاورت دیواری در زیر سازه گلی ایجاد شده است (تصویر ۱۲). خمره بزرگی که در کنار گور نهاده شده بود (تصویر ۱۱ و شکل ۶) به نمونه‌ای از سفال‌های شوش شبیه است که به لایه Ville XIV Royale A یعنی به حدود قرن هفدهم تا شانزدهم پیش از میلاد منسوب شده است (Gasche 1973: 1.48,4). البته همان‌طور که در بالا گفته شد، این تاریخ‌نگاری نمی‌تواند محرز باشد.

برای شناخت دقیق‌تر سفال لایه‌های قدیمی‌تر از سازه گلی می‌توان داده‌های گمانه واقع در مربع ۱۲۸۰ را مدنظر قرار داد، زیرا لایه‌های این گمانه در زیر سازه خشتی قرار دارند. از لایه‌های ۲، ۳، ۵ و ۸ سفال‌هایی به‌دست آمدند که به نمونه‌های نسبتاً قدیمی از کارگاه B و Ville Royale A در شوش شبیه هستند که در قرون ۲۱ تا ۱۸ پیش از میلاد تاریخ‌گذاری شده‌اند (جدول ۴). باوجود اینکه لایه‌های این کارگاه در شوش به‌خوبی قابل تاریخ‌گذاری نیستند، مطمئناً می‌توان آن‌ها را قدیمی‌تر از دوران ایلامی میانه دانست. به‌طور کلی می‌توان این ظروف را در اوایل هزاره دوم و یا حتی در اواخر هزاره سوم پیش از میلاد تاریخ‌گذاری کرد (تابلو ۷ و ۸).

جدول ۴- نمونه‌های سفالی در گمانه ۱۲۸۰، واقع در زیر سازه خشتی

کد شیء	لایه	منبع نمونه مورد مقایسه	دوره نمونه مورد مقایسه	سده پیش از میلاد
D.N. 12-1280-501	۲	Gasche 1973, Pl. 25,16	B VI	اوایل هزاره دوم
D.N. 12-1280-502	۲	Gasche 1973, Pl. 36,5 und 9	B VI	اوایل هزاره دوم
D.N. 12-1280-504	۲	Gasche 1973, Pl. 36,8	B VI	اوایل هزاره دوم
D.N. 12-1280-506	۲	Gasche 1973, Pl. 10,10	B V-VII	اوایل هزاره دوم
D.N. 12-1280-512	۳	Gasche 1973, Pl. 43,10	B V	اوایل هزاره دوم
D.N. 12-1280-509	۵	Gasche 1973, Pl. 27,4	B VII	اواخر هزاره سوم
D.N. 12-1280-513	۸	Steve/Gasche 1971, P1.3,12	Ur III	اواخر هزاره سوم
D.N. 12-1280-514	۸	Gasche 1973, Pl. 25,37	B VII	اواخر هزاره سوم

D.N. 12-1280-515	۸	Gasche 1973, Pl. 36,4	B VI	اواخر هزاره سوم
D.N. 12-1280-516	۸	Gasche 1973, Pl. 28,17	B VI	اواخر هزاره سوم
D.N. 12-1280-517	۸	Steve/Gasche 1971,P1.5,31	Akkad	اواخر هزاره سوم
D.N. 12-1280-523	۱۰	Steve/Gasche 1971,P1.13,24	FD	نیمه هزاره سوم
D.N. 12-1280-524	۱۰	Steve/Gasche 1971,P1.16,13	FD	نیمه هزاره سوم

قدیمی‌ترین سفال‌ها در پایین‌ترین لایه‌های گمانه ۱۲۸۰ قرار داشتند که نوعی سفال نخودی تیره منقوش را نیز شامل می‌شدند. تصاویر به صورت تک‌رنگ و به رنگ قهوه‌ای هستند و علاوه بر نقوش هندسی چون نقش شطرنجی و خطوط موج‌دار، تصویر پرند نیز بر روی آن‌ها دیده می‌شود (تابلو ۹). سفال‌های منقوش با نقش پرند روی خطوط موج‌دار در شوش، در نیمه هزاره سوم پیش از میلاد رایج بوده است (Steve and Gasche 1971: 1.17). البته نقش شطرنجی در شوش عمدتاً بر روی سفال‌های قدیمی‌تر مربوط به اواخر هزاره چهارم مشاهده می‌شود. از آنجایی که تعداد سفال‌های یافت شده در لایه دهم گمانه ۱۲۸۰ بسیار اندک است، تاریخ‌نگاری دقیق آن نیز در حال حاضر امکان‌پذیر نیست و فقط می‌توان آن را به طور کلی مربوط به نیمه هزاره سوم پیش از میلاد دانست.

با وجود اینکه اشیاء و سفال‌های مربوط به هزاره چهارم گاهی بر روی سطح تپه یافت می‌شوند، ولی در گمانه ۱۲۸۰ آثاری از این نوع مشاهده نگردید. همچنین هیچ نمونه‌ای از دوران آغاز نگارش نه بر روی سطح تپه و نه در گمانه‌ها یافت نشد. به این ترتیب این امکان وجود دارد که پس از ایجاد استقرار کوچک در هزاره چهارم پیش از میلاد، این محل برای مدتی در دوران آغاز نگارش خالی از سکنه شده باشد و متعاقباً در هزاره سوم مجدداً مسکونی شده باشد. داده‌های کاوش این فصل امکان شناخت تعدادی از سفال‌های هزاره سوم تا اوایل هزاره اول پیش از میلاد را در ده نو فراهم کرد که لازم است در کاوش‌های بعدی تکمیل شود. در پایان می‌توان تاریخ نسبی داده‌های به‌دست آمده از گمانه‌های مختلف را در نمودار زیر جمع‌بندی کرد.

سده پیش از میلاد	مربع ۱۲۲۷	مربع ۱۲۲۸	مربع ۱۲۸۰	مربع ۱۲۸۲
۹				سده ۱۰ تا ۹ پیش از میلاد
۱۰				
۱۱				
۱۲	سده ۱۲ تا ۱۱ پیش از میلاد			
۱۳				
۱۴		سده ۱۴ پیش از میلاد		
۱۵				
۱۶	گور آجری			
۱۷	سده ۱۷ تا ۱۶ پیش از میلاد		لایه‌های ۲، ۳، ۴ و ۵ از اوایل هزاره دوم پیش از میلاد	
۱۸				
۱۹				
۲۰				
۲۱				
۲۲			لایه‌های ۱۰ و ۱۱ از نیمه هزاره سوم پیش از میلاد	
۲۳				
۲۴				
۲۵				

نمودار ۲- تاریخ‌نگاری نسبی سفال‌های گمانه‌های مختلف در مقایسه با یکدیگر

تشکر و قدردانی

از جناب آقای دکتر محمدرضا بذرگر مدیر وقت پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و همچنین از جناب آقای دکتر محمود میراسکندری رئیس وقت پژوهشکده باستان‌شناسی و خانم سوسن چراغچی مدیر روابط بین‌الملل پژوهشگاه برای پشتیبانی و صدور مجوز این کاوش صمیمانه تشکر می‌شود. در طول کاوش آقای علی عبدالخانی مسئولیت اجرای نقشه توپوگرافی و اندازه‌گیری مختصات داده‌ها را به‌عهده داشتند. دانشجویان دانشگاه‌های ماینز و فرانکفورت خانم‌ها ماریا اشنبرگ، و رنا نییل و آقایان بابک رفیعی و علی زلقی مستندنگاری آثار و داده‌ها را انجام دادند. خانم زیبا نجفی ترسیم سفال را عهده‌دار بود. آقای سجاد پاک‌گوهر مسئول مرمت یافته‌ها در پایگاه هفت‌تپه بودند. در اینجا از تمامی اعضای گروه و همچنین از کارگران روستای بنه حاجات به‌ویژه از آقای محمد نصیرپور و همچنین از یگان حفاظت سازمان میراث فرهنگی و گردشگری شهرستان شوشتر صمیمانه سپاسگزاری می‌شود.

منابع

مفیدی نصرآبادی، بهزاد، ۱۳۸۶، کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناسی در چغازنبیل، مونس‌تر.
مفیدی نصرآبادی، بهزاد، ۱۳۸۹، گزارش مقدماتی کاوش‌های باستان‌شناسی در هفت تپه در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۵، مونس‌تر.

Carter, E., 1971, *Elam in the Second Millennium B.C.: The Archaeological Evidence*, Chicago (Dissertation).

De Miroschedji, P., 1981, *Fouilles du Chantier Ville Royale II a Suse (1975-1977). I. Niveaux Elamites*, DAFI 12: 9-136.

Gasche, H., 1973, *La Poterie Elamite du Deuxième Millénaire A.C.*, MDP 47, Leiden.

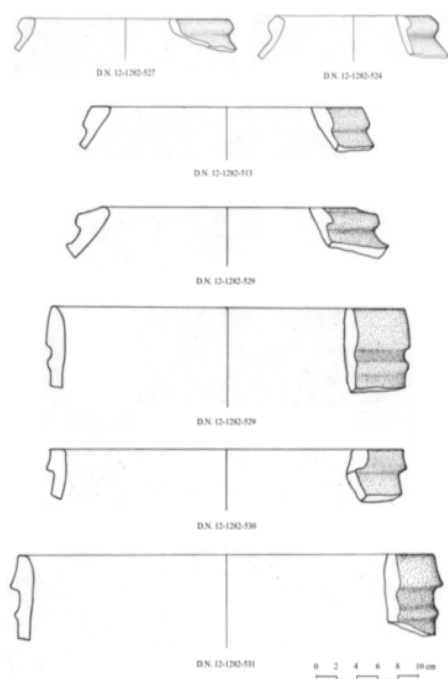
Steve, M. J., 1968, *Fragmenta Elamica*, Or 37: 290-307.

Steve, M. J., 1987, *Nouveaux Mélanges Epigraphiques. Inscriptions Royales de Suse et de la Susiane*, MDP 53, Nice.

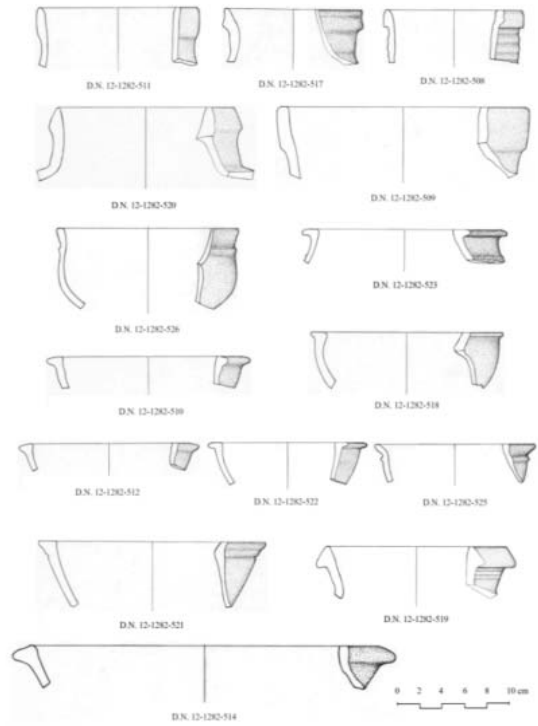
Steve, M. J., and Gasche, H., 1971, *L'Acropole de Suse. Nouvelles Fouilles*, MDP 46, Leiden/Paris.

Mofidi-Nasrabadi B., 2010, *Archäologische Untersuchungen in Horriyeh und Deh-e Nou*, IrAnt 45: 251-268.

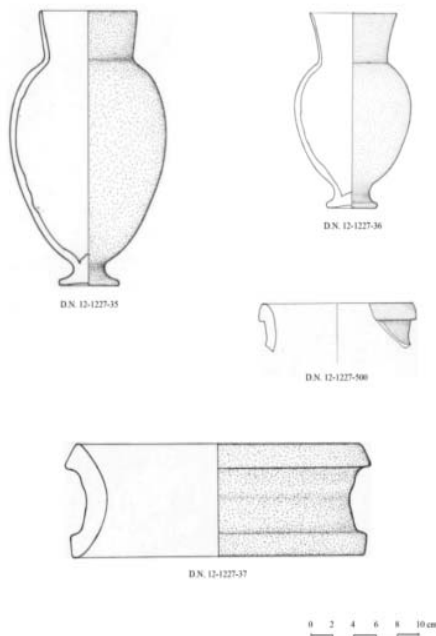
Mofidi-Nasrabadi B., (In press), *Planungsaspekte und die Struktur der altorientalischen neugegründeten Stadt Al-Untaş-Napiriša*.



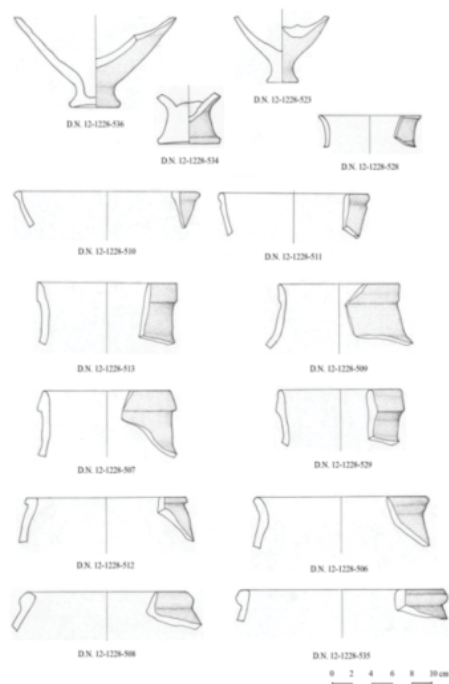
تابلو ۲- ظروف سفالی سده‌های دهم تا نهم پیش از میلاد



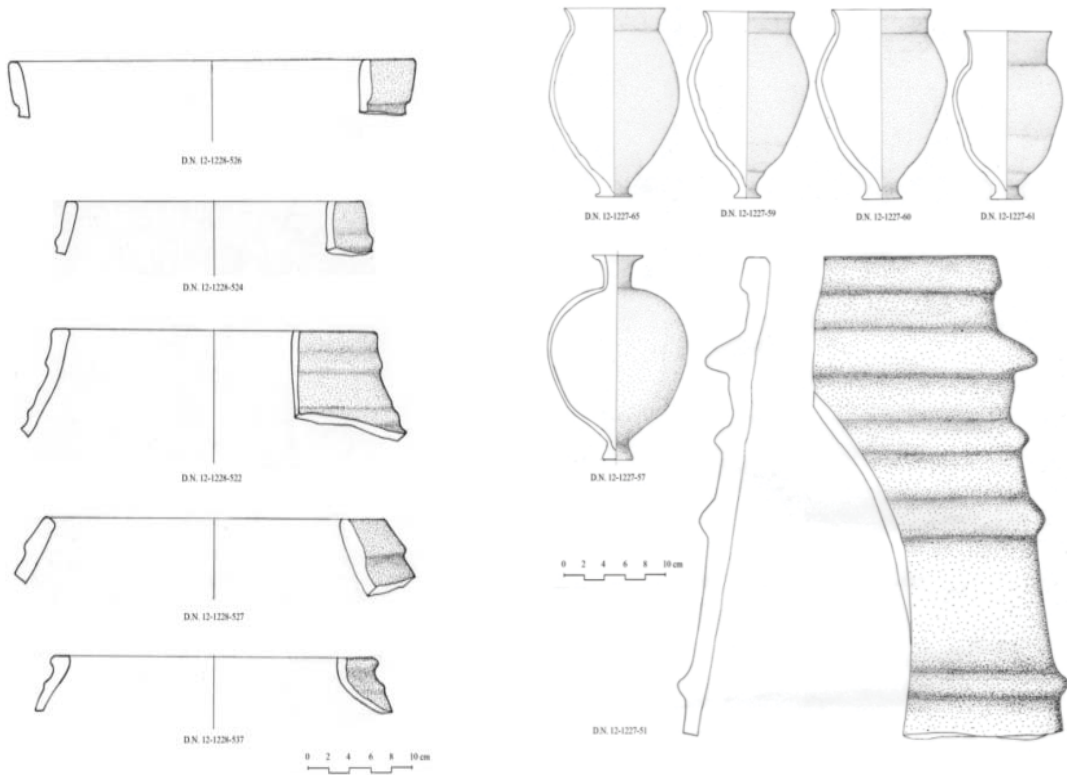
تابلو ۲- ظروف سفالی سده‌های دهم تا نهم پیش از میلاد



تابلو ۳- ظروف سفالی سده‌های دوازدهم تا یازدهم پیش از میلاد

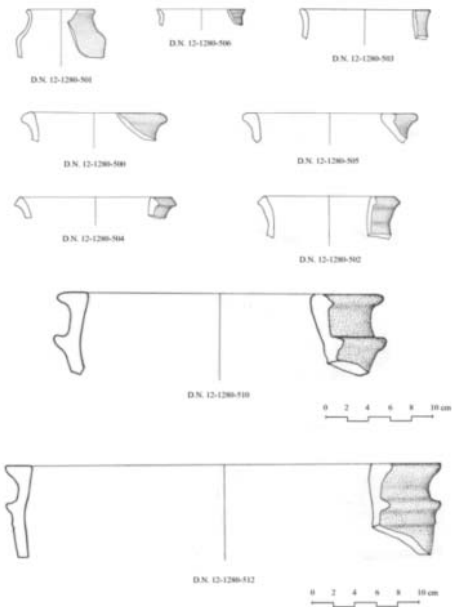


تابلو ۴- ظروف سفالی سده چهاردهم پیش از میلاد

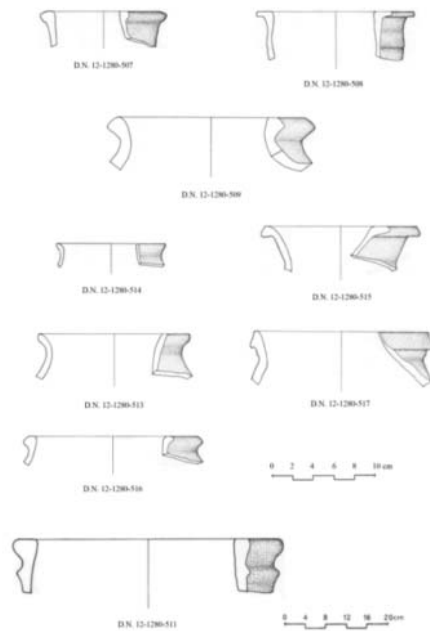


تابلو ۵- ظروف سفالی سده چهاردهم پیش از میلاد

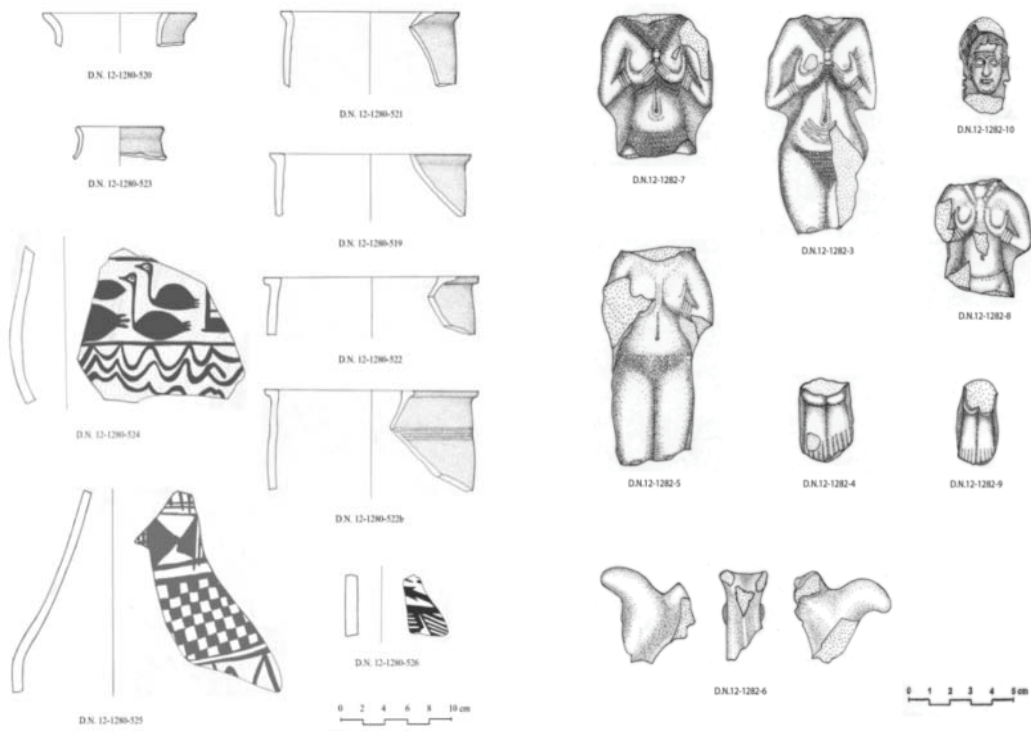
تابلو ۶- ظروف سفالی از گور آجری مربوط به حدود سده‌های هفدهم



تابلو ۷- ظروف سفالی مربوط به اوایل هزاره دوم پیش از میلاد

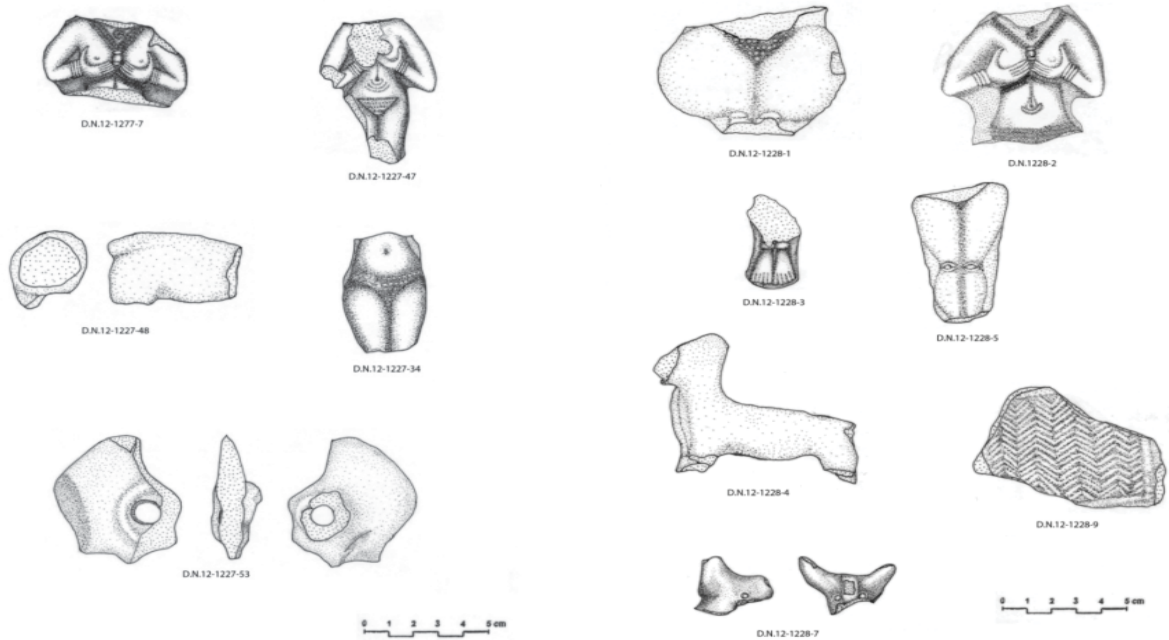


تابلو ۸- ظروف سفالی مربوط به اوایل هزاره دوم پیش از میلاد



تابلو ۹- ظروف سفالی مربوط به اواسط هزاره سوم پیش از میلاد

تابلو ۱۰- پیکرک‌های سفالی مربوط به قرون دهم تا نهم پیش از میلاد



تابلو ۱۱- پیکرک‌های سفالی مربوط به قرون دوازدهم تا یازدهم پیش از میلاد

تابلو ۱۲- پیکرک‌های سفالی مربوط به قرن چهاردهم پیش از میلاد



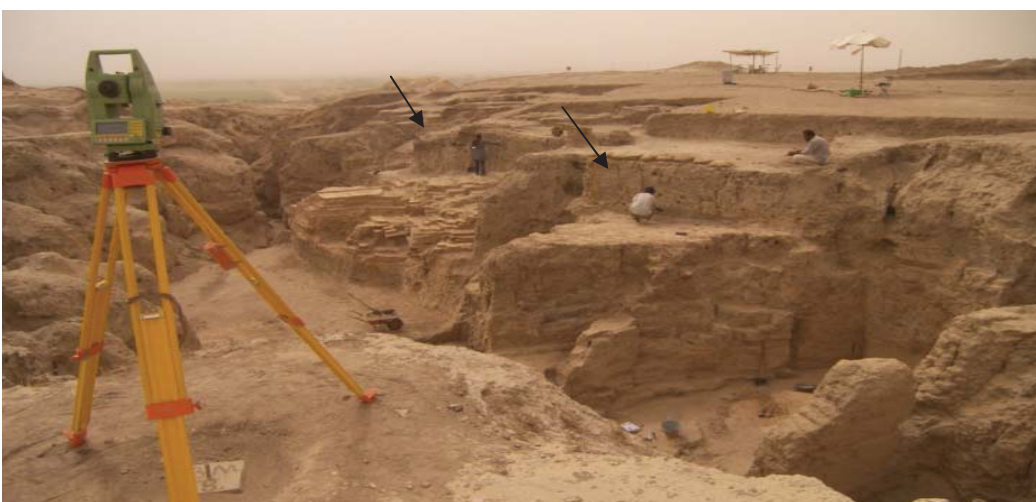
تصویر ۱- تپه ده نو دید از جنوب شرق



تصویر ۳- ردیف‌های آجری در بین ردیف‌های خشتی سازه



تصویر ۲- مسیل بزرگ در میانه تپه ده نو



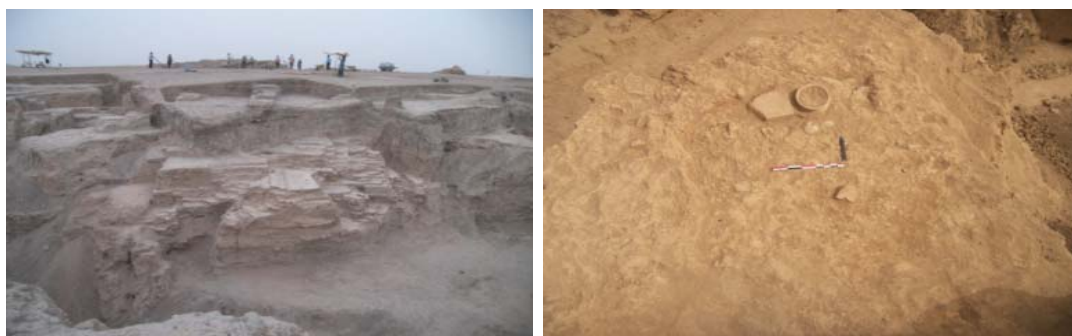
تصویر ۴- سازه بزرگ خشتی درون مسیل



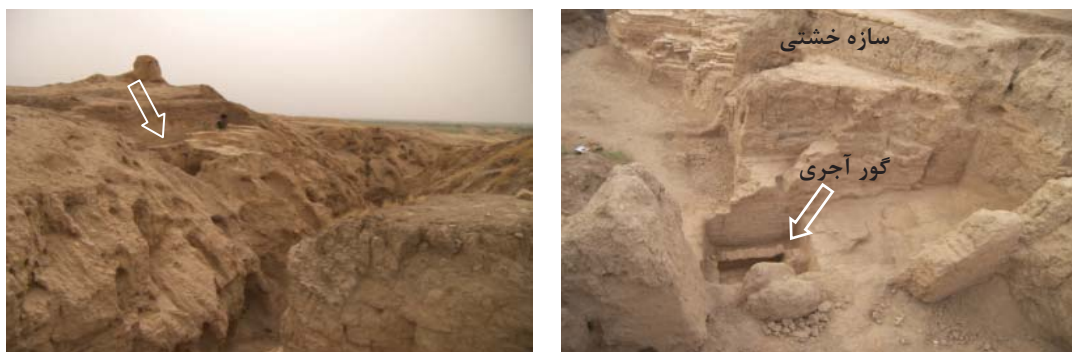
تصویر ۵- نمونه‌هایی از آجرنوشته ایگی هلکی



تصویر ۶- نمونه آجرنوشته شوتروک ناهونته



تصویر ۸- سفال‌های یافت‌شده بر روی سازه خشتی در مربع ۱۲۲۷ تصویر ۷- سازه خشتی و محل یافته‌ها در رابطه با آن



تصویر ۹- محل یافته‌ها در مربع ۱۲۲۸ بر روی سازه خشتی در جبهه شمالی مسیل

تصویر ۱۰- محل گور آجری در مربع ۱۲۲۷ و موقعیت آن در رابطه با سازه خشتی



تصویر ۱۱- گور آجری و خمره شکسته واقع در جبهه شمالی شرقی آن



تصویر ۱۲- نحوه اجرای چیدمان آجرهای گور



تصویر ۱۳- محل ظروف سفالی داخل گور و بقایای اسکلت‌ها